

بررسی جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی در نظام کیفری ایران و جمهوری خلق چین

| فاطمه فلاح‌نژاد | دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم
سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
| جعفر کوشا* | دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی،
تهران، ایران
| محمد آشوری | استاد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد
علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
| رجبعلی گلدوست جویباری | دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه
شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

یکی از مهم‌ترین اختیاراتی که مقامات قضایی در جهت مبارزه با جرم برعهده دارند حق بازداشت
مظنونان و متهمان می‌باشد. این امکان وجود دارد که روند نهایی دادرسی کیفری منتهی به برائت یا
منع تعقیب فرد شود. بنابراین دادرسی منصفانه و اخلاق ایجاب می‌کند که دولت جبران خسارت
ایام بازداشت شده ناموجه افراد را پرداخت نماید. در قانون آیین دادرسی کیفری ایران مسئولیت دولت
به خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی اعم از اینکه مبنای مسئولیت تقصیر یا خطای قاضی یا
اشخاص دیگر باشد مورد پذیرش قرار گرفته است. مقنن کشور چین هم در سال ۱۹۹۴ قانون جبران
خسارت را مورد رسمیت قرار داده است. در دو نظام حقوقی ایران و چین با وجود تفاوت‌هایی در
زمینه نحوه جبران خسارت شباهت‌هایی نیز با هم دارند. از جمله در هر دو نظام، جبران خسارت در

موارد صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت قطعی امکان‌پذیر است، مسئولیت مطلق دولت در جبران خسارت پذیرفته شده و دولت تنها پس از جبران خسارت می‌تواند به عامل اصلی مراجعه کند. این مقاله سعی دارد به صورت توصیفی و تحلیلی پیشینه و مصادیق جبران خسارت، شرایط ماهوی و شکلی جبران خسارت بازداشت غیرقانونی در دو نظام کیفری را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

واژگان کلیدی: جبران خسارت، بازداشت غیرقانونی، اصل برائت، مسئولیت مدنی دولت، حکم برائت

مقدمه

سیستم جبران خسارت کیفری بر اساس حفظ حقوق شهروندی و دادرسی منصفانه تنظیم شده است که به عنوان یک معیار مهم برای قانون‌گذاری در کشورها محسوب می‌شود. مفهوم قانون‌گذاری و ذات جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی هم برای سوق دادن مفاد قانون به سمت رعایت حقوق فردی و هم حفظ حریم آزادی‌های مشروع شهروندان شکل گرفته است. جبران خسارت کیفری به عنوان یکی از اساسی‌ترین مسئولیت‌های دولت محسوب می‌شود که برای دستیابی جهت عدالت، ترمیم و جبران آسیب‌های وارده به مظنون یا متهم در جریان روند محاکمه و مجازات ضروری می‌باشد. هرچند دولت اختیارات گسترده‌ای برای تحقیق و تعقیب و محاکمه دارد ولی بر اساس اصل برائت که یکی از اصول بنیادی دادرسی‌های کیفری مدرن و میراث مشترک ملل متمدن جهان است، انتظار می‌رود که این اختیارات با احترام به کرامت و حیثیت هریک از اشخاص اجرا شود. بنابراین عدالت و عدالت‌گستری در یک جامعه حق محور مستلزم جبران خسارت از شهروندانی است که به واسطه درگیری بلاجهت در فرایند دادرسی‌های کیفری قربانیان اشتباهات قضایی شده‌اند، از جمله افرادی که به صورت ناموجه بازداشت شده‌اند باید مورد جبران خسارت مادی قرار بگیرند. نظام حقوقی ایران به اصل جبران خسارت این دسته از افراد تاحدودی اشاره کرده است، تا قبل از سال ۱۳۹۲ حق بر جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی به صراحت به رسمیت شناخته نشده بود. رویه قضایی ایران نیز در این زمینه ضعیف و نارسا تلقی می‌شد. بالاخره مقنن در مقررات قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ حق زیان‌دیده در مطالبه خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی را مورد شناسایی قرار داد و آیین ویژه‌ای جهت اجرای آن حق پیش‌بینی کرد.

در نظام حقوقی جمهوری خلق چین هم برای اولین بار در سال ۱۹۹۴ حق جبران خسارت به عنوان «قانون جبران خسارت دولتی» به رسمیت شناخته شد و در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفته است. این قانون به صورت جامع و کامل تدوین شده و در زمینه جبران انواع خسارت‌های وارده به اشخاص می‌باشد و فقط منحصر به خسارت بازداشت غیرقانونی

نمی‌باشد. اعلام رسمی و اجرای قانون جبران خسارت دولتی نقطه عطفی در شکل‌گیری سیستم حقوقی دموکراتیک چین است. این نه تنها به صورت قانونی برابری دولت را به عنوان یک سازمان و شهروند به عنوان یک مدیر تأیید می‌کند بلکه مشخص می‌کند در صورتی که دولت، قانون را نقض کند، باید همان مسئولیتی را تقبل کند که هر فرد دیگر در صورت نقض قانون متحمل می‌شود. جبران خسارت دولتی باعث شد تا حزب حاکم، اشتباهات خود را پذیرفته به خاطر آن‌ها عذرخواهی کند و با نام دولت خسارت وارده را جبران نماید. برخی محققان چینی معتقدند اگر تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹ به چینی‌ها اجازه داد تا از نظر سیاسی موضع بگیرند، پس از اعلام «قانون جبران خسارت دولتی» مردم چین توانستند از نظر قانونی جایگاهی پیدا کنند.

بنابراین پیش‌بینی نهاد جبران خسارت در وهله اول هشدار است برای تمام مأموران نظام عدالت کیفری، تا در کمال دقت به پرونده‌ها رسیدگی کنند تا فردی بدون جهت گرفتار فرایند کیفری قرار نگیرد. در وهله دوم، دستگاه عدالت کیفری باید به واسطه تعرض بلاجهت به حریم آزادی‌های مشروع شهروندان، از آنان به نحو مطلوبی جبران خسارت به عمل آورد. با این حال، به دلیل نوپا بودن این نهاد، ابهام‌هایی در خصوص حدود و ثغور جبران خسارت، نحوه جبران خسارت و دیگر مسائل مشابه در حقوق کیفری ایران و جمهوری خلق چین مطرح می‌گردد. از این جهت عمده‌ترین پرسش‌هایی که در این مقاله مطرح می‌شود این است که اولاً سیاست جنایی و پیشینه جبران خسارت در حقوق کیفری ایران و جمهوری خلق چین بر چه مبنایی می‌باشد؟ دوم گستره اعمال جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بی‌گناه کجاست؟ و این دو کشور چه شرایط و مصادیقی را جهت جبران خسارت بازداشت غیرقانونی پیش‌بینی کرده‌اند؟

۱. سیاست جنایی

۱-۱. ایران

در سیاست جنایی حاکم بر حقوق کیفری ایران تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به صراحت به جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی اشاره نشده بود و موضوع تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی قاضی بود، بدین معنا که با توجه به اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات زیان‌دیده ناگزیر بود ابتدا به دادگاه انتظامی قضات مراجعه و در صورت احراز تقصیر یا خطای قاضی از سوی مرجع اخیر، خسارت وارد شده به خود را از طریق طرح دعوا در دادگاه عمومی تهران از دولت یا قاضی حسب مورد مطالبه کند. همچنین در برخی از قوانین به طور ضمنی به لزوم جبران خسارت توسط افراد و نه دولت اشاره شده بود. به طور مثال طبق تبصره ۴ ذیل بند «خ» ماده ۱۸ قانون مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی

سال ۱۳۳۴ «هر یک از مأمورین دولتی یا شهرداری یا کسانی که بر حسب وظیفه متصدی مراقبت در امور داروئی هستند ... در موردی که ثابت شود ... گزارش به قصد اضرار بدهند که منتهی به بازداشت اشخاص شود در صورت برائت متهم و اثبات قصد اضرار علاوه بر جبران خسارت وارده به مدعی خصوصی به پنج سال حبس محکوم می گردند.» همچنین به موجب اصل ۳۹ قانون اساسی هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. در این اصل به صورت غیرمستقیم بارتقه جبران خسارت در آن مشاهده می شود. (قلی زاده، ۱۳۹۷: ۸۷) همین رویه در قوانین عادی مانند مواد ۵۷۰ و ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نیز مشاهده می شود؛ بنابراین قانون آیین دادرسی کیفری، طبق مواد ۲۵۵ الی ۲۶۱ ضمن شناسایی حق زیان دیده در مطالبه جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت، آیین ویژه ای را نیز به منظور اجرای این حق پیش بینی کرده است. با اینکه این اقدام مقنن قابل توجه و گامی در جهت اجرای دادرسی منصفانه، احترام به اصل برائت و حقوق شهروندی تلقی می شود؛ اما این انتقاد هم وجود دارد که برخلاف اطلاق اصل ۱۷۱ قانون اساسی و مواد ۹۳ و ۴۸۶ قانون مجازات اسلامی و مواد ۲۵۵ الی ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری همه افرادی که خسارت بر آنها وارد می شود مشمول نبوده و تحت حمایت این قانون قرار نمی گیرند و فقط به صورت مطلق افرادی که بازداشت می شوند مورد حمایت می باشند. (مرادی، ۱۳۹۳: ۲۱۳)

۲-۱. چین

برای اولین بار در سال ۱۹۹۴ جمهوری خلق چین «قانون جبران خسارت دولتی» را به طور رسمی تصویب کرد. بر مبنای مفاد قانون اساسی، قانون جبران خسارت دولتی، قانون اصلی در جبران خسارت تلقی می شود و سیستم حقوقی جبران خسارت دولتی چین با سایر قوانین و مقررات تکمیل شده است. در واقع این قوانین هزاران سال در سرزمین چین به صورت سنتی وجود داشته و استفاده می شده اند که عناوینی مانند «مأموران رسمی و اشراف» و «مأموران رسمی و انجام وظیفه» داشته اند. همچنان که ایجاد یک موضوع در هر سیستمی آسان نیست، موضوع جبران خسارت نیز برای سیستم حقوقی چین یک موضوع تازه و بیگانه تلقی می شود و انطباق آن با جو خاص حاکم در چین احتیاج به سپری کردن فرایند طولانی دارد. چند سال پس از اجرای قانون جبران خسارت دولتی، نواقص قانونی و حقوقی آن آشکار شده و معضل قضایی آن به سختی قابل حل می شود. نارضایتی اجتماعی افزایش می یابد و کارشناسان از آن اغلب انتقاد می کنند. پس از انتقادات زیاد در خصوص این قانون، مجلس قانون گذاری در نهایت قانون جبران خسارت دولتی را در سال های ۲۰۰۵، ۲۰۱۰ و در نهایت در سال ۲۰۱۲ مورد بازبینی و اصلاح قرار می دهد که نشان دهنده دستاورد، مشارکت و نوآوری در

زمینه جبران خسارت دولتی می باشد (chun, 2014: 21). اما قبل تر یعنی پس از تأسیس حکومت جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، حزب کمونیست و دولت جدید برخی از قوانین و مقررات جبران خسارت دولتی را ایجاد کرده بودند. به عنوان مثال، در سال ۱۹۵۳ کمیته مرکزی حزب کمونیست چین «دستورالعمل های مربوط به رسیدگی به دستگیری، محاکمه و اعدام اشتباه را که در دادگاه های گذشته در سطوح مختلف رخ داده است» را تصویب می کند. طبق قطعنامه دومین نشست کنگره مربوط به امور قضایی: «پس از آزادی زندانی، باید اشتباهات ارتكابی نسبت به وی یا خانواده وی اعلام شود. برای این افراد یا خانواده هایشان که آسیب جدی را متحمل شده اند، علاوه بر اعتراف به اشتباهات، باید یارانه های ضروری به افرادی که زندگی سختی دارند داده شود.» (chun, 2014: 22) برای اولین بار، در مقررات قانون اساسی در سال ۱۹۵۴ به وضوح تصریح می شود افرادی که حقوق مدنی شان توسط کارمندان دولتی نقض شده و متحمل ضرر و زیان شده اند، حق جبران خسارت دارند. قانون اساسی ۱۹۸۲ (قانون اساسی کنونی) اصل جبران خسارت مقرر شده در قانون اساسی ۱۹۵۴ را تأیید و آن را توسعه داده است. طبق اصل ۴۱ قانون اساسی افرادی که توسط ادارات دولتی و کارکنان ادارات دولتی مورد نقض حقوق مدنی قرار گرفته و متحمل زیانی شده اند، طبق قانون، حق جبران خسارت دارند.

بر مبنای ماده ۱۲۱ اصول کلی قانون مدنی سال ۱۹۸۶، مسئولیت نقض حقوق توسط نهادهای دولتی و کارکنان تعیین و مشخص می شود. در سال ۱۹۸۸ دیوان خلق در خصوص اجرای اصول کلی قانون مدنی، تصریح می کند: «اگر کارکنان یک نهاد دولتی در حین انجام وظایف خود باعث خسارت به حقوق مشروع و منافع شهروندان یا افراد حقوقی شوند، دولت مسئول جبران خسارت وارده است.» همچنین قانون دادرسی اداری سال ۱۹۸۹ مسئولیت نهادهای اداری دولتی را تعیین کرده است. در بعضی مقررات هم به صورت موردی مسئولیت دولت را از زوایا و سطوح مختلف در قبال جبران خسارت دولتی تعیین می کند. مانند مقررات مربوط به مجازات اداری امنیت عمومی، قوانین گمرکی، مقررات مربوط به مدیریت مناسب بودن هواپیما در هواپیماهای مسافربری، قانون علائم تجاری، قانون جنگل داری و غیره (chun, 2014: 23). به عنوان مثال، ماده ۱۱۹ از اصول کلی قانون مدنی تصریح می کند: «در صورتی که نقض حقوق موجب آسیب جسمی به شهروند شود، باید هزینه های پزشکی مربوطه جبران شود، درآمد کسر شده به دلیل ترک کار برای مداوای پزشکی جبران شود، کمک هزینه افراد ناتوان و نیز سایر هزینه ها جبران شود؛ در صورت مرگ، هزینه های مراسم تدفین و هزینه های لازم زندگی باید پرداخت شود.» یا بر مبنای قانون مجازات اداری امنیت عمومی در ماده ۱۱۷: «اگر نهاد امنیت عمومی یا پلیس خلق، قوانین را نقض و با اعمال قدرت خود

موجب نقض حقوق و منافع شهروندان، اشخاص حقوقی و سایر نهادها شوند، باید از آنها عذرخواهی کنند؛ اگر نقض حقوق منجر به خسارت شود، خسارت ناشی از آن باید طبق قانون، جبران شود.» نهایت اینکه اعلام رسمی «قانون دادرسی اداری» نه تنها تابوها و موارد منع شده را در تاریخ نظام حقوقی چین در طول هزاران سال برچید بلکه روابط میان مردم و دولت را نیز منطقی ساخته و مسئولیت دولت را در قبال نقض قوانین اداری تعریف می‌کند. اعلام رسمی و اجرای قانون جبران خسارت دولتی نقطه عطفی در شکل‌گیری سیستم حقوقی دموکراتیک چین است. پس از ۳۶ سال که از سیاست اصلاحات و باز شدن درها می‌گذرد، به‌ویژه ۲۰ سال و اندی که از اعمال و اجرای قانون جبران خسارت و رویه قضایی آن می‌گذرد، نظام حقوقی جبران خسارت دولتی اساساً شکل گرفته و از حقوق بشر محافظت می‌کند و یک کشور سوسیالیستی تحت اداره قانون تأسیس کرده است.

۲. شرایط مطالبه خسارت

برای اینکه شخص بازداشت شده بی‌گناه بتواند جبران خسارت وارد شده به خود را مطالبه نماید و دعوای خود را به نتیجه برساند، باید یک سری شرایطی را دارا باشد که در ادامه مصادیق و شرایط آن را بیان خواهیم کرد.

۲-۱. شرایط ماهوی

۲-۱-۱. ایران

طبق مواد ۲۵۵ الی ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری ایران یک سری شرایط جهت مطالبه خسارت عنوان شده است. اولین شرط جهت مطالبه خسارت طبق ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری این است که ذی‌نفع، بازداشت شده باشد. در مورد واژه «به هر علت» در ماده ۲۵۵ دو گونه تفسیر بین حقوق‌دانان وجود دارد. بر اساس نظر اول، این عبارت فقط شامل بازداشت در نتیجه قرار بازداشت موقت محدود بوده و شامل بازداشت ناشی از قرار کفالت یا وثیقه نمی‌دانند. (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۳۲) اما در مقابل، گروه دوم معتقدند که در مواردی که بازپرس مبادرت به صدور قرار کفالت یا وثیقه می‌نماید و قرار صادر شده به دلیل عدم معرفی کفیل یا عدم ارائه وثیقه از سوی متهم منتهی به بازداشت وی گردد، مفاد ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری قابل اعمال است، افزون بر این با توجه به عبارت «در جریان تحقیقات مقدمات و دادرسی» مذکور در ماده ۲۵۵ قانون فوق‌الذکر، نه تنها قرارهای تأمین کیفری صادر شده از سوی دادسرا بلکه قرارهای تأمین کیفری منتهی به بازداشت موقت که دادگاه‌های کیفری صادر می‌نمایند نیز مشمول مواد ۲۵۵ به بعد قانون آیین دادرسی کیفری قرار می‌گیرد. (آشوری، ۱۳۹۷: ۵۲) همچنین عده‌ای دیگر معتقدند که حکم ماده ۲۵۵ شامل سلب آزادی در نتیجه تحت نظر بودن به وسیله ضابطان دادگستری (هرچند برای چند ساعت) نیز می‌شود. در این

زمینه به تبصره ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری استناد می‌کنند. (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۶۰) به‌علاوه هدف غایی جبران خسارت لزوماً جبران خسارت مالی نیست بلکه جبران خسارت معنوی و کاهش آلام و دردهای متهم بازداشت شده بی‌گناه نیز مدنظر بوده که ممکن است این آسیب‌ها در اثر چند ساعت بازداشت نیز به وی وارد شود. همچنین قانون درخصوص امکان جبران خسارت متهم بی‌گناه که به‌موجب بند «ج» ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری به «عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده ... از طریق نظارت یا تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات» ملتزم شده، اشاره نموده است. منطق این امر این است که آنچه سبب استحقاق فرد می‌شود، بازداشت است و شیوه بازداشت هم در آن بی‌تأثیر می‌باشد. رویه قضایی می‌تواند با تفسیر موسع از ماده ۲۵۵ و روح حاکم بر قانون، قرار التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده و ... را در حکم بازداشت تلقی و آن را مشمول احکام و شرایط مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت نماید. (آشوری، ۱۳۹۷: ۵۳)

دومین شرط، طبق ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری این است که دادرسی‌ای که فرد در جریان آن بازداشت شده است باید منتهی به صدور قرار منع تعقیب از سوی دادسرا یا حکم برائت از سوی دادگاه گردد و طبق ماده ۲۵۷ قانون فوق این قرار منع تعقیب یا حکم برائت باید به‌صورت قطعی صادر شده باشد. بنابراین حکم به جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی شامل سایر قرارهای نهایی نظیر قرار موقوفی تعقیب نمی‌شود، دلیل این امر هم این است که در صدور قرار موقوفی تعقیب برخلاف قرار منع تعقیب یا حکم برائت، اظهارنظر ماهوی صورت نگرفته و نمی‌توان شخص را مستحق مطالبه خسارت دانست. (آقائی جنت مکان، ۱۳۹۶: ۲۸۸) از مجموع مواد ۲۵۵ و ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری چنین برمی‌آید که حق بر جبران خسارت تنها در رابطه با پرونده‌هایی جاری است که منتهی به صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب قطعی شده باشند و بر این مبنا در رابطه با حکم برائت و قرار منع تعقیب غیرقطعی و همچنین مواردی که مشمول قرار موقوفی تعقیب است، امکان جبران خسارت منتفی می‌باشد. از سوی دیگر حق جبران خسارت نسبت به شاهد یا مطلع که در مقام اجرای تبصره ۱ ماده ۲۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری جلب شده‌اند حتی در صورت صدور حکم برائت یا منع تعقیب امکان مطالبه خسارت وجود ندارد. همچنین مناسب بود که مقنن جبران خسارت متهمان محکوم شده‌ای را هم که به‌طور غیرقانونی و بدون رعایت موارد و شرایط آن در مواد ۲۳۷ و ۲۸۷ بازداشت شده‌اند، پیش‌بینی می‌کرد. در پاسخ ممکن است گفته شود که در مورد این اشخاص کسر ایام بازداشت موقت از میزان محکومیت می‌تواند کافی باشد، اما این پاسخ نمی‌تواند در مورد جرائمی که مجازات آن‌ها زندان نیست قانع‌کننده به نظر برسد و سبب تحمیل حبس (به‌صورت بازداشت ناروا) به جای جزای نقدی شود. (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۶۱-۲۶۰)

سومین شرطی که از آن به عنوان شرایط سلبی می توان نام برد مصادیقی هستند که فقدان آن ها موجب مطالبه خسارت می باشد. این مصادیق در ماده ۲۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده است.

طبق بند «الف» ماده فوق هنگامی که بازداشت شخص ناشی از خودداری از ارائه سند و مدرک باشد و نخواهد اسناد دال بر بی گناهی خود را ارائه دهد نمی تواند مطالبه خسارت کند. درحقیقت شخصی که ادله بی گناهی خود را در اختیار دارد اما به رغم آگاهی در ابراز ارائه آن، مدارک مزبور را به منظور جلوگیری بازداشت خود به مقام قضایی ارائه نمی دهد، بر اساس قاعده اقدام به زیان خود اقدام و زمینه بازداشت خود را فراهم نموده است و بنابراین مستحق جبران خسارت نخواهد بود.

(آشوری، ۱۳۹۷: ۶۱) همچنین طبق بند «ب» فردی که مرتکب اصلی را فراری می دهد و خودش را متهم جلوه می دهد نیز نمی تواند از این ظرفیت قانونی استفاده کند. از سوی دیگر، هنگامی که به نوعی فرد موجبات بازداشت خودش را فراهم می آورد نیز مشمول این قانون نمی شود. مصداق این بند زندانیان فصلی هستند، به ویژه معتادانی که به گونه ای سعی می کنند در زمستان ها برای رفع نیاز خود وارد زندان شوند. (سلیمی، ۱۳۹۲: ۲۱۱) در نهایت با توجه به بند «ت» هرگاه متهم به ارتکاب دو یا چند جرم از سوی مراجع قضایی تحت تعقیب باشد و نسبت به هر یک از اتهامات به صورت جداگانه قرار تأمین کیفری صادر و قرارهای مزبور منتهی به بازداشت شود و سپس نسبت به یکی از جرائم که به موجب آن بازداشت شده است، قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر و قطعی شود، در این صورت متهم نمی تواند نسبت به زمان بازداشت خود ادعای مطالبه خسارت نماید، زیرا در همان ایام و نسبت به اتهامات انتسابی دیگر نیز به موجب قرار جداگانه در بازداشت بوده است. در این موارد متهم تنها در صورتی می تواند خسارت ناشی از بازداشت را مطالبه نماید که نسبت به همه اتهامات انتسابی به وی قرار منع تعقیب یا حکم برائت تحصیل کند. (آشوری، ۱۳۹۷: ۶۲)

۲-۱-۲. چین

طبق مقررات جاری، اساس اصلی قانونی برای نهادهای قضایی که به پرونده های جبران خسارت دولتی در مورد بازداشت غیرقانونی رسیدگی می کنند، مقررات بند اول ماده ۱۷ قانون جبران خسارت دولتی ۲۰۱۲ می باشد. این ماده مقرر می کند: «در جایی که یک نهاد دولتی اقدام به بازرسی، تعقیب یا رسیدگی کیفری می نماید، از جمله یک بازداشتگاه یا نهاد اداری زندان یا هریک از مأموران آن در ایفای کارکردهای خود مرتکب هریک از جرائم ذیل علیه حقوق شهروندان شوند، زیان دیده مستحق جبران خسارت خواهد بود: بازداشت یک شهروند در نقض قانون آیین دادرسی کیفری صورت گرفته یا اگرچه اقدام به بازداشت مطابق شرایط و رویه مصرح در قانون محقق شده است، مدت زمان بازداشت از

محدوده زمانی قید شده در قانون آیین دادرسی کیفری فراتر رفته و متعاقباً تصمیمی مبتنی بر رد دعوی یا عدم تعقیب یا تصمیمی بر تبرئه متهم صادر شده است که رسیدگی کیفری را خاتمه می‌دهد.^۱ بنابراین پیش‌نیاز دریافت جبران خسارت این است که نهاد امنیت عمومی طبق قانون تصمیم به رد دعوی در مرحله تحقیق گرفته باشد، یا دادسرا طبق قانون تصمیم به عدم تعقیب پرونده گرفته باشد، یا دادگاه خلق طبق قانون تصمیم بر تبرئه گرفته باشد. (Hu /Ni, 2013: 35) در این زمینه دو نکته قابل ذکر می‌باشد. مورد اول؛ طبق رویه قضایی، نهاد امنیت عمومی پس از انجام تحقیق، در نهایت مشخص می‌کند که با توجه به مدارک مظنون مرتکب جرم نشده یا شواهد تأیید شده برای اثبات ارتکاب جرم توسط مظنون کافی نبوده و برای آزادی مظنون موانع قانونی متعدد وجود ندارد، اما برای اتخاذ تصمیمی مبنی بر رد دعوی موانع قانونی وجود دارد. مبنای قانونی برای رد دعوی از طرف نهاد امنیت عمومی، ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۱۶۸ «مقررات روند رسیدگی به پرونده‌های کیفری نهاد امنیت عمومی» می‌باشد. پرواضح است که مواردی مانند اینکه: حقایق مربوط به جرم توسط مظنون مورد ارتکاب قرار نگرفته (بی‌گناهی محض) یا شواهد موجود برای اثبات اینکه مظنون مرتکب جرم شده است ناکافی است. (کافی نبودن شواهد) چنین محتوایی در ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری و نیز در «مقررات روند رسیدگی به پرونده‌های کیفری نهاد امنیت عمومی» وجود ندارد. در واقع این نکته، دلیل اصلی و مبنای قانونی عدم صدور رد دعوی توسط نهاد امنیت عمومی است. نهاد امنیت عمومی^۱ نمی‌تواند طبق قانون رد دعوی کند، تا روند پیگیری جبران خسارت کیفری دولتی از سر گرفته شود، بنابراین نهاد امنیت عمومی در رسیدگی به پرونده‌های مشابه جبران خسارت کیفری دولتی با معضل روبه‌رو می‌شود. (Hu /Ni, 2013: 36)

در این زمینه برای شناسایی شرایط و روندی که نهاد امنیت عمومی رد دعوی اعلام می‌کند باید به مواد ۸۵ و ۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۱۶۲ «مقررات روند رسیدگی کیفری نهاد امنیت عمومی» اشاره نمود. طبق مواد فوق‌الذکر اولاً موارد موضوعی کیفری وجود دارد و لازم است تا مسئولیت کیفری مورد تعقیب قرار بگیرد. دوم در مورد پرونده شخص مظنون به ارتکاب جرم وجود دارد. بر این مبنا نهاد امنیت عمومی به دو روش متفاوت می‌تواند تشکیل پرونده بدهد. روش اول تشکیل پرونده بر مبنای «موضوع» و روش دوم بر مبنای «مظنون».

۱. طبق ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری نهاد امنیت عمومی مسئول تحقیق، بازداشت، اجرای دستگیری و تحقیقات مقدماتی در امور کیفری می‌باشد.

در روش اول، برای نمونه در «پرونده قتل» که حقایق و موارد موضوعی این جرم شناسایی شده است لذا باید مسئولیت کیفری مورد تعقیب قرار گیرد، اما در هنگام تشکیل پرونده، نهاد امنیت عمومی هنوز مظنونین را شناسایی و بازداشت نکرده است، حتی هویت قربانی یا بزه دیده هم مشخص نیست. در روش دوم، نوع جرم مشخص شده است به طور مثال «پرونده قتل عمد»، در هنگام تشکیل پرونده، نهاد امنیت عمومی مشخص کرده است که شخصی مورد سوءظن اصلی قرار گرفته و شواهدی به دست آمده است که ثابت می کند وی مظنون به ارتکاب جرم است. در این روش در صورتی که نهاد امنیت عمومی طبق قانون اقدام به بازداشت نماید و سپس بعد از تحقیق، در نهایت مشخص کند که مظنون مرتکب جرم نشده یا شواهد موجود برای اثبات فعل مجرمانه مظنون ناکافی باشد، هیچ مانع قانونی برای تبرئه و رد دعوی وجود نخواهد داشت. اما در روش «تشکیل پرونده بر مبنای موضوع» در صورتی که نهاد امنیت عمومی پس از تحقیق شخصی را به عنوان مظنون طبق قانون بازداشت نماید و با ادامه تحقیقات، در نهایت محرز شود که این مظنون مرتکب فعل مجرمانه نشده است یا شواهد کافی برای اثبات ارتکاب فعل مجرمانه وی موجود نباشد، با وجود اینکه مظنون می تواند آزاد شود اما تحقیقات در مورد خود پرونده تکمیل نشده و نهاد امنیت عمومی هنوز باید به تحقیقات ادامه دهد، حتی اگر هیچ سرنخ جدیدی موجود نباشد باز هم پرونده نمی تواند رد دعوی شود، در این حالت معمولاً گفته می شود «پرونده به حالت تعلیق» درآمده است و فرد مظنون نمی تواند درخواست جبران خسارت نماید.

از این رو برخی از صاحب نظران چینی معتقدند از آنجایی که اکثر پرونده های کیفری بر مبنای موضوع تشکیل می شوند لذا روش آغاز تعقیب کیفری علیه مظنون طرح اتهام از طرف دادسرای خلق می باشد، بنابراین باید به ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری روشی برای خاتمه تحقیق اضافه شود. به طور مثال، زمانی که نهاد امنیت عمومی پس از انجام تحقیق متوجه می شود که مظنون مرتکب فعل مجرمانه نشده یا شواهد موجود برای اثبات بی گناهی وی ناکافی است، باید از مظنون رفع اتهام شده و رد دعوی اعلام شود (Sun, 2011: 9).

مورد دوم؛ در مورد نوع بازداشتی است که قابل جبران خسارت می باشد. طبق بند ۱ ماده ۱۷ قانون جبران خسارت، بازداشت به دو نوع تقسیم می شود: نوع اول، بازداشتی است که در نتیجه نقض مقررات بازداشت و قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص شهروندان اعمال می شود و متعاقباً تصمیمی مبنی بر رد دعوی، عدم تعقیب و اعلام عدم محکومیت برای خاتمه رسیدگی کیفری صورت می گیرد. این نوع بازداشت را «بازداشت غیر قانونی» تلقی می کنند. نوع دوم، بازداشتی است که طبق مقررات بازداشت و قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص شهروندان اعمال می شود، اما

مدت زمان بازداشت از دوره زمانی تعیین شده در قانون آیین دادرسی کیفری تجاوز نموده و متعاقباً تصمیمی مبتنی بر رد دعوی، عدم تعقیب و اعلام عدم محکومیت برای خاتمه رسیدگی کیفری صورت می‌گیرد، که این نوع بازداشت را «بازداشت منقضی» می‌توان نامید. (Yan/Li, 2015: 19)

بنابراین «بازداشت غیرقانونی» باید دو شرط داشته باشد: اول اینکه بازداشت کیفری در نقض قانون اعمال شود و دوم آنکه نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این باشد که «تصمیمی مبنی بر رد دعوی، عدم تعقیب و اعلام عدم محکومیت جهت خاتمه رسیدگی کیفری گرفته می‌شود». در زمینه شرط اول، در واقع بازداشتی است که شامل نقض ماهیتی و شکلی می‌باشد. نقض ماهیتی اصولاً به نقض مقررات مربوط به بازداشت کیفری در «قانون آیین دادرسی کیفری» اشاره می‌کند. از نقطه نظر مقررات قانونی، نقض ماهیتی قانون توسط نهاد امنیت عمومی یعنی نقض مقررات قبل از بازداشت، نقض استفاده از مقررات بازداشت برای شخص ضمانت شده و نقض استفاده از مقررات بازداشت برای شخصی که تحت نظارت خانگی است می‌باشد. نقض شکلی بدین معناست که استفاده از بازداشت کیفری با الزامات مربوط به مقررات «قانون دادرسی کیفری» مطابقت ندارد. به عنوان مثال، نهاد امنیت عمومی پس از بازداشت شخص، باید مجوز بازداشت را به وی نشان دهد در غیر این صورت نقض شکلی صورت گرفته است، بنابراین نقض شکلی توسط نهاد امنیت عمومی اصولاً نقض الزامات تصریح شده در «مقررات دادرسی» و «قانون آیین دادرسی کیفری» در خصوص روند بازداشت، دوره بازداشت، دستگیری و آزادی می‌باشد. در خصوص روند بازداشت، در صورتی که در قانون آیین دادرسی کیفری مقررات مشخصی وجود نداشته باشد، طبق «مقررات دادرسی» عمل می‌شود. به عنوان مثال در صورتی که به دلیل محدودیت زمانی، بازداشت در محلی غیر از بازداشتگاه انجام شود و در قانون آیین دادرسی کیفری نیز مقررۀ مشخصی در این خصوص موجود نباشد، باید طبق بند ۲ ماده ۱۲۲ مقررات دادرسی مظنون ظرف ۲۴ ساعت پس از ورود به حوزه قضایی به بازداشتگاه منتقل شود. کسی که ناقض این مقررات باشد در واقع حکم کسی را دارد که با نقض قانون، بازداشت کیفری اعمال کرده باشد. (Yan/Li, 2015: 20)

شرط دوم توقف رسیدگی کیفری است. در اجرای عملی قانون، نهاد امنیت عمومی به طور مثال در خصوص یک پرونده سرقت، شخص مظنونی را به طور غیر قانونی بازداشت می‌کند و بعد مشخص می‌شود که وی مجرم نبوده و قرار بازداشت را لغو و وی را آزاد می‌کند. به دلیل وجود پرونده سرقت، نهاد امنیت عمومی نمی‌تواند اعلام رد دعوی کند، طبق ماده ۱۸۳ «مقررات دادرسی»: «در خصوص مظنونین که مورد تحقیق قرار گرفته و ارتکاب جرم در موردشان محرز شده است باید مسئولیت کیفری شان مورد تعقیب قرار گیرد اما این امر نباید در خصوص مظنونی که برای تحقیق، تشکیل

پرونده داده است انجام شود، یا اینکه برخی از مظنونین در پرونده‌های جرائم گروهی مورد مجازات کیفری قرارگیرند، بلکه باید درخصوص مظنونین مربوطه تحقیق را خاتمه دهند و تحقیق در مورد پرونده را ادامه دهند.» ماده مقرر می‌کند از طریق خاتمه تحقیق پرونده را حل و فصل نماید. «خاتمه تحقیق» و نه «رد دعوی». از این منظر، برخی از صاحب‌نظران معتقدند که خاتمه تحقیق باید به‌عنوان توقف رسیدگی کیفری در نظر گرفته شود و جبران خسارت صورت گیرد. (yang/he, 2013: 166)

در چنین شرایطی نهاد رسیدگی به پرونده باید گزارشی مبنی بر خاتمه تحقیق تهیه کند و به تأیید شخص مسئول در نهاد امنیت عمومی یک مرتبه بالاتر برساند. گزارش خاتمه تحقیق باید به‌عنوان اعلام کتبی توقف تعقیب کیفری تلقی شود. در صورتی که مظنون در بازداشت باشد، نهاد امنیت عمومی باید بلافاصله وی را آزاد کند و گواهی آزادی را صادر نماید. با داشتن گواهی آزادی می‌توان از نهاد امنیت عمومی درخواست جبران خسارت بازداشت کیفری نمود. (yan, 2015: 20)

اما نوع دوم بازداشت، «بازداشت منقضی» بود. این نوع بازداشت باید به‌طور هم‌زمان دارای سه شرط ذیل باشد: ۱. قرار بازداشت اعمال‌شده درخصوص شهروندان طبق شرایط و روند مقرر شده در قانون آیین دادرسی کیفری باشد، ۲. زمان بازداشت بیش از حد زمانی است که توسط قانون آیین دادرسی کیفری تعیین شده است، ۳. نتیجه حاصل‌شده تصمیم به رد دعوی، عدم تعقیب یا عدم اعلام محکومیت برای توقف تعقیب کیفری می‌باشد. نتایج حاصله در اینجا با نتایج حاصله از «بازداشت غیرقانونی» یکسان هستند لذا از بیان دوباره آن‌ها خودداری می‌شود. نکته مهم آن بستگی به بررسی محدودیت زمانی بازداشت است که «زمان بازداشت، از زمان مشخص‌شده در قانون دادرسی کیفری بیشتر است.» قانون آیین دادرسی کیفری، محدوده زمانی بازداشت کیفری را مشخص کرده است، در صورتی که نهاد امنیت عمومی درخصوص فرد بازداشت‌شده تشخیص دهد که لازم است دستگیر شود، باید ظرف ۳ روز پس از بازداشت درخواست بررسی و تأیید را تسلیم دادرسی خلق نماید. تحت شرایط خاص، زمان بررسی و تأیید از ۱ تا ۴ روز افزایش می‌یابد. درخصوص مظنونین اصلی که مظنون به شرکت در جرائمی مانند زورگیری، جرائم متعدد و جرائم گروهی هستند، زمان بررسی و تأیید می‌تواند تا ۳۰ روز اضافه شود. دادرسی خلق باید ظرف ۷ روز پس از دریافت درخواست نهاد امنیت عمومی برای بررسی و بازداشت، تصمیمی درخصوص تأیید یا عدم دستگیری اتخاذ نماید. علاوه بر مواعد فوق، دوره‌های ۳۰ روز، ۱۰ روز، ۱۴ و ۳۷ روز هم تحت شرایط قانونی جهت تصمیم‌گیری نهادهای مربوطه در زمینه بازداشت افراد وجود دارد. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که زمان بازداشت در «بازداشت منقضی» ۳ روز، ۷ روز، ۳۰ روز، یا ۱۰ روز، ۱۴ روز، ۳۷ روز است؟ آیا دوره

قانونی بازداشت کیفری که توسط نهاد امنیت عمومی اعمال می شود شامل ۷ روزی که دادسرای خلق درخصوص تأیید دستگیری تصمیم گیری می کند نیز می شود؟

بعضی از محققان معتقدند که دوره بازداشت مظنونین معمولاً ۱۰ روز است و در موارد خاص بیش از ۱۴ روز است. دوره بازداشت مظنونین اصلی که مرتکب جرائم زورگیری، جرائم متعدد و جرائم گروهی هستند، از ۳۷ روز تجاوز نمی کند. (ma, 2010: 111) برخی دیگر معتقدند که بازداشت معمولاً ۳ روز است و در موارد خاص از ۷ روز تجاوز نمی کند و درخصوص مظنونین اصلی که مرتکب جرائم زورگیری، جرائم متعدد و جرائم گروهی هستند، زمان بررسی و تأیید می تواند تا ۳۰ روز افزایش یابد. این مدت زمان، دوره ای است که نهاد امنیت عمومی پس از بازداشت، تحقیق و بررسی را انجام می دهد و مدت زمان ۷ روز را که دادسرای خلق برای بررسی و تأیید دستگیری صرف می کند را نباید جزء دوره بازداشت اعمال شده توسط نهاد امنیت عمومی محاسبه کرد. (liu, 2009: 53)

به نظر می رسد این دو دیدگاه، محدوده زمانی بازداشت را از دو زاویه متفاوت بررسی می کنند. دیدگاه اول به سه دوره زمانی که طولانی ترین دوره زمانی ای است که مظنون قبل از اتخاذ تصمیم دستگیری در بازداشت خواهد بود یعنی ۱۰ روز، ۱۴ روز و ۳۷ روز اشاره می کند. دیدگاه دوم به سه دوره زمانی یعنی ۳ روز، ۷ روز و ۳۰ روز اشاره دارد که نهاد امنیت عمومی پس از اعمال قرار بازداشت از دادسرای خلق درخواست بررسی و تأیید بازداشت را می نماید. بنابراین باید «دوره بازداشت» به طور کامل شناسایی شود، که این دوره به طور مشخص به سه دوره ۱۰ روز، ۱۴ روز و ۳۷ روز که طولانی ترین دوره های شکل گرفته بر مبنای محاسبه دقیق دوره های تعیین شده در قانون یعنی «دو مرحله و چهار دوره» است که مظنون در بازداشت می باشد. «دو مرحله» به مرحله درخواست نهاد امنیت عمومی از دادسرای خلق برای بررسی و تأیید دستگیری و مرحله تصمیم گیری دادسرای خلق درخصوص دستگیری اشاره دارد. «چهار دوره» به سه دوره قانونی ۳ روز، ۷ روز و ۳۰ روز اشاره دارد که در این دوره زمانی نهاد امنیت عمومی از دادسرای خلق درخواست تأیید دستگیری نموده و دادسرای خلق تصمیمی درخصوص تأیید دستگیری یا عدم تأیید آن اتخاذ می نماید و حداکثر دوره زمانی ۷ روز برای مظنونینی که هنوز در بازداشت هستند. وفاداری شدید به متن قانون درخصوص «دو مرحله و چهار دوره زمانی» بدین معنا است که دوره بازداشت کیفری که از هریک از چهار دوره زمانی این دو مرحله تجاوز کند، به این صورت تلقی می شود که «زمان بازداشت از دوره زمانی مشخص شده در قانون دادرسی کیفری تجاوز کرده است.» اگرچه کل دوره بازداشت بیش از سه دوره که طولانی ترین زمان بازداشت یعنی ۱۰ روز، ۱۴ روز و ۳۷ روز است، تجاوز نخواهد کرد. لذا جبران خسارت باید درخصوص کل دوره بازداشت کیفری اعمال شود. (yan, 2015: 21)

از نظر قانونی، نهاد امنیت عمومی باید به شدت محدوده زمانی بازداشت قانونی که ۳ روز، ۷ روز و ۳۰ روز در قانون تعیین شده است را رعایت کنند و ظرف ۷ روز درخواست تأیید دستگیری کنند و این مدت نمی‌تواند تا روز دهم به طول بیانجامد، حتی اگر دادرای خلق ظرف ۳ روز قرار بازداشت را تأیید نکند، مدت زمان بازداشت از ۱۴ روز تجاوز نمی‌کند که در این صورت دوره ۷ روزه قانونی درخواست نهاد امنیت عمومی از دادرای برای تأیید دستگیری را نیز شامل می‌شود. اگر نتیجه، توقف تعقیب کیفری باشد باید جبران خسارت تقبل شود. در عین حال باید حداکثر زمان بازداشت یعنی دوره زمانی ۷ روز را پس از تأیید دستگیری توسط دادرای خلق به درستی رعایت کرد، با انقضای دوره بازداشت، حتی اگر دادرای خلق در خصوص تأیید دستگیری تصمیمی اتخاذ نکرده باشد، یا اینکه احساس شود که در خصوص تصمیم دادرای خلق مبنی بر عدم تأیید دستگیری اشتباهی صورت گرفته است، نهاد امنیت عمومی باید یکی از شرایط خاتمه بازداشت را اعمال نماید یعنی اینکه شخص بازداشت شده را بلافاصله آزاد کند، یا در صورتی که شرایط آزادی به قید ضمانت یا تحت نظارت بودن در محل سکونت را داشته باشد، طبق قانون وی را به قید ضمانت آزاد کند یا در محل سکونت تحت نظر قرار دهد. (yan, 2015: 21)

موضوع دیگری که باید بدان اشاره نمود اینک، طبق ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری یکی از انواع قرارهای تأمین کیفری، قرار نظارت خانگی می‌باشد. حال سؤال این است که نظارت در محل اقامت مظنون یا متهم شامل جبران خسارت می‌شود یا خیر. ماده ۷۶ اصلاحیه سال ۲۰۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری، مقررات جدیدی را در این خصوص اضافه می‌کند و مدت زمان نظارت خانگی را به عنوان دوره بازداشت یا مجازات تلقی می‌کند: «مدت دوره نظارت خانگی در مکان تعیین شده باید از مدت مجازات کسر شود...» در خصوص جبران خسارت فردی که مرتکب جرمی نشده و در محل سکونت خود تحت نظارت بوده است دیدگاه‌های متفاوت وجود دارد. (Yang, 2013: 9)

از این رو کمیته حقوقی جبران خسارت کشور در روند تنظیم پیش‌نویس «تفسیر دادگاه خلق در خصوص موارد متعدد اعمال قانون برای رسیدگی به پرونده‌های جبران خسارت» اظهار داشت که جبران خسارت نظارت در محل سکونت باید بر اساس تفاسیر قانونی حل و فصل شود. بنابراین دادگاه خلق، صالح در جهت تصمیم‌گیری در خصوص جبران خسارت نظارت در محل اقامت تعیین شده نمی‌باشد. از نقطه نظر محتوا و مضمون، مسئله جبران خسارت در این مورد مسئله جبران خسارت نظارت خانگی (محل سکونت مشخص) نیست بلکه مسئله جبران خسارت محدود کردن آزادی فرد به طور غیرقانونی در طول مرحله تحقیق می‌باشد. بنابراین برخی از حقوق‌دانان چینی معتقدند که با در نظر گرفتن این حقیقت که از زمان اقدام به دستگیری، جزء دوره بازداشت غیرقانونی محسوب

بررسی جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی در نظام کیفری ایران و جمهوری خلق چین (کوشا و همکاران) ۲۳۷

می‌شود و آزادی شخصی به‌طور کامل محدود شده است می‌توان آن را بازداشت غیرقانونی محسوب کرد لذا مفاد بند ۱ ماده ۱۷ «قانون جبران خسارت دولتی»، مشمول افرادی که تحت نظر نظارت خانگی بودند نیز می‌شود. (He, 2017: 7)

اما در زمینه شرایط سلبی که فقدان آن‌ها موجب مطالبه خسارت می‌باشد، ماده ۱۹ قانون جبران خسارت دولتی چین مقرر می‌دارد: «دولت نباید در هیچ‌یک از اوضاع و احوال ذیل مسئول جبران خسارت قلمداد شود: ۱. زمانی که حبس یا محکومیت یک شهروند، ناشی از اظهارات تعمداً غلط خود وی یا دلایل جعلی مبنی بر محکومیت او باشد؛ ...؛ ۴. عمل فردی مأمور یک نهاد دولتی که اقدام به رسیدگی کیفری، تعقیب یا محاکمه نماید یا یک بازداشتگاه یا نهاد اداری زندان، به گونه‌ای که در راستای ایفای کارکردهای وی نبوده باشد؛ ۵. زیان‌های ناشی از اعمال عامدانه یک شهروند به‌عنوان ورود جراحت بر خود؛ ۶. سایر اوضاع و احوالی که در قانون مورد تصریح قرار گرفته است.»

۲-۲. شرایط شکلی

۲-۲-۱. ایران

بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری شخص بازداشت شده باید دعوای خود را علیه دولت اقامه کند. قبل از بیان شرایط شکلی ذکر این نکته ضروری است که در فرض وجود تقصیر از سوی دولت، مسئولیت آن به‌نحو کامل بر ذمه دولت قرار می‌گیرد. با این حال این موضوع همیشه به‌آسانی قابل تشخیص نیست چراکه در فرضی که فعل ضرری، چه به‌نحو کامل یا غیرمستقیم در نتیجه عمل و دخالت کارمندان دولت یا حتی سایر اشخاص تحقق یابد موضوع پیچیده است. در این زمینه با توجه به آرا و اقوال موجود دو نوع رویکرد مشاهده می‌شود. مبتنی بر رویکرد اول در تمام حالات اعم از عمد و خطا و تقصیر و قصور، دولت مسئول جبران خسارت تلقی می‌شود. در واقع در راستای حمایت از شهروندان مسئولیت مطلق دولت پذیرفته می‌شود. (مقدسی، ۱۳۹۷: ۱۰۲) در این مورد با توجه به اینکه فعل ضرری از سوی کارمند به نمایندگی از شخصیت حقوقی و نمایندگی از دولت و حکومت در رسیدگی به امور عامه اشخاص تحقق یافته است، بنابراین دولت باید مسئولیت اقدامات کارکنان خود را بپذیرد. اما رویکرد دوم ناظر به فرضی است که با توجه به مبانی اصل شخصی بودن، هرکس اعم از شخص حقیقی یا حقوقی را در فرض تقصیر ملزم به جبران خسارت می‌داند. به عبارتی طبق رویکرد اول مسئولیت جبران خسارت متهمان بازداشت شده بی‌گناه به‌طور تمام و کمال به‌عهده دولت است. با این حال پس از جبران خسارت دولت به دلیل احراز تقصیر کارمند و با توجه به اینکه این امر به زیان‌دیده ارتباط نداشته و یک موضوع درون سازمانی است، دولت پس از جبران خسارت می‌تواند به کارمند مقصر مراجعه نماید. این در حالی است که حسب

رویکرد دوم ارتباط چنین فردی از نظر درون سازمانی منتفی بوده و شخص می‌تواند در فرض تقصیر هر یک، به دولت یا کارمند مراجعه نماید. (مقدس، ۱۳۹۷: ۱۰۲) با توجه به مطالب ارائه شده به نظر می‌رسد طبق ماده ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری رویکرد نظام حقوقی ایران مسئولیت مطلق دولت در میزان خسارت است و دولت تنها پس از جبران خسارت می‌تواند به عامل مراجعه کند و مشخصاً وزیر دادگستری مسئول اجرای رأی کمیسیون می‌باشد.

اما در زمینه آیین دادرسی نحوه مطالبه خسارت در مرحله نخستین باید اشاره کرد که بر طبق ماده ۳۰ قانون نظارت به رفتار قضات رسیدگی به دعوی مطالبه خسارت از دادرسی پس از احراز تقصیر یا خطای قاضی دادگاه عالی انتظامی قضات در صلاحیت دادگاه عمومی تهران می‌باشد. با وجود این طبق ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری مقنن برای رسیدگی به دعوی مطالبه خسارت ناشی از بازداشت موقت مرجع ویژه کمیسیون استانی جبران خسارت را پیش‌بینی نموده است. کمیسیون استانی که متشکل از سه نفر از قضات دادگاه تجدیدنظر استان به انتصاب رئیس قوه قضاییه است و بر مبنای مواد ۲ و ۳ آیین‌نامه اجرایی در صورت ضرورت دارای شعب متعدد خواهد بود. مرجع نخستین رسیدگی به درخواست‌های جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت می‌باشد.

اطلاق عنوان «کمیسیون» این نهاد قانونی را از شمول مراجع قضایی خارج نمی‌کند، این کمیسیون به عنوان یک مرجع قضایی، با ماهیت مدنی به درخواست جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت رسیدگی می‌کند. (آشوری، ۱۳۹۷: ۶۵) طبق ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۲، ۸، ۹ و ۱۰ آیین‌نامه، مقرر شده متقاضی در ارائه درخواست خود به کمیسیون استانی ملزم به تقدیم دادخواست بر مبنای ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی نمی‌باشد. شخص بازداشت شده باید درخواست خود را ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی بی‌گناهی یا تاریخ قطعی شدن رأی بی‌گناهی به کمیسیون استانی تقدیم کند (ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری) در این مورد دولت به عنوان خوانده دعوی تلقی شده و طبق مواد ۲۵۵ و ۲۵۹ وزارت دادگستری به عنوان نماینده دولت باید در دادرسی حضور داشته باشد.

بنابراین کمیسیون استانی جبران خسارت پس از ارائه درخواست جبران خسارت از سوی قربانیان اشتباهات قضایی به ضمیمه رأی کیفری اعم از قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادره از سوی دادسرا یا دادگاه حسب مورد ابتدا به بررسی انطباق یا عدم انطباق شرایط متقاضیان جبران خسارت وفق ماده ۲۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری نموده و چنانچه موضوع را منطبق با بندهای چهارگانه این ماده نیافت، جهت تعیین مسئول نهایی پرداخت هزینه جبران خسارت از قربانی اشتباه قضایی، وفق اصل ۱۷۱ قانون اساسی و مواد ۱۳ و ۴۸۶ قانون مجازات اسلامی پرونده را به دادسرا و دادگاه عالی قضات

بررسی جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی در نظام کیفری ایران و جمهوری خلق چین (کوشا و همکاران) ۲۳۹

ارسال می‌نماید. از آنجا که طبق ماده ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری دولت در تمامی موارد بروز اشتباه قضایی به جز موارد ماده ۲۵۶ قانون فوق‌الذکر ابتدائاً به‌نحو استقلال یا تضامنی حسب مورد، مسئول پرداخت هزینه‌های جبران خسارت و متولی امر خسارت‌زدایی از این دسته از افراد تعیین گردیده است، بنابراین چنانچه در همان بادی امر و در آغاز فرایند رسیدگی در کمیسیون‌های استانی، مقامات قضایی این کمیسیون‌ها، اوضاع و احوال حاکم به پرونده را منطبق با مفاد ۲۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری نیافتند باید حکم به خسارت‌زدایی به طرق مقتضی و متناسب صادر نموده و به انتظار صدور رأی دادگاه عالی انتظامی قضات نشینند. (شاملو، ۱۳۹۳: ۲۲۲)

حال اگر طبق نظر دادگاه‌های عالی انتظامی قضات تقصیر یا تخلفی از سوی مقامات قضایی احراز گردد، دادگاه مزبور پس از تعیین نوع و میزان مجازات انتظامی قضایی مختلف و فقدان جنبه جزایی عمدی بودن موضوع، پرونده را به کمیسیون استانی جبران خسارت اعاده می‌کند تا مسئول نهائی پرداخت جبران خسارت تعیین گردد. اما چنانچه موضوع دارای جنبه جزایی عمدی باشد پرونده با صدور قرار تعلیق قاضی از منصب قضایی و سلب مصونیت قضایی از وی به دادرسی عمومی و انقلاب تهران ویژه کارکنان دولت ارسال می‌شود تا جنبه عمومی جرم مورد رسیدگی قرار بگیرد. همچنین اگر رأی دادگاه عالی انتظامی قضات مبنی بر عدم ارتکاب تقصیر از سوی مقامات قضایی باشد، لیکن کمیسیون استانی جبران خسارت در بررسی‌های خود شهادت کذب شهود یا اعلام مغرضانه جرم از سوی افراد یا گواهی خلاف واقع کارشناسان را سبب آغاز ورود خسارت به این دسته از افراد تشخیص دهد، بر اساس ماده ۱۶۳ قانون مجازات اسلامی و ماده ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری پس از پرداخت خسارت مزبور دولت به مسئولین اصلی جهت استرداد هزینه‌های پرداختی رجوع می‌کند. (شاملو، ۱۳۹۳: ۲۲۲)

مطابق با ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۴ آیین‌نامه، رأی کمیسیون استانی در کمیسیون ملی جبران خسارت، قابل اعتراض می‌باشد. کمیسیون ملی جبران خسارت متشکل از رئیس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونین وی و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به انتخاب رئیس قوه قضاییه است. (ماده ۲۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۴ آیین‌نامه). همچنین طبق قسمت اخیر ماده ۲۵۸ و ماده ۱۱ آیین‌نامه مهلت اعتراض به آراء کمیسیون استانی ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی این کمیسیون می‌باشد و طبق قسمت اخیر ماده ۲۵۷ و تبصره ذیل ماده ۳۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۱۱ آیین‌نامه، شخص بازداشت شده در صورت رد اعتراض به‌صورت کلی یا جزئی و وزارت دادگستری به‌منظور دفاع از حقوق بیت‌المال می‌توانند به رأی کمیسیون استانی اعتراض کنند.

نکته قابل ذکر اینکه اگر تصمیم اتخاذ شده از سوی این کمیسیون موجبات رضایت خاطر ذی نفع را مثلاً از حیث میزان مبلغ پرداختی فراهم نسازد، حق تجدیدنظرخواهی پیش‌بینی نشده است و از این جهت این قسمت از قانون مزبور قابل انتقاد است. (شاملو، ۱۳۹۳: ۲۲۵) رأی کمیسیون استانی تابع تشریفات خاصی نبوده و مطابق با قواعد کلی و با تقدیم دادخواست انجام می‌شود. شیوه رسیدگی و صدور رأی در کمیسیون ملی جبران خسارت همانند شیوه رسیدگی و صدور رأی در کمیسیون استانی می‌باشد. نکته قابل توجه اینکه هرچند اعضای کمیسیون ملی جبران خسارت از قضات دیوان عالی کشور می‌باشند و این کمیسیون علی‌الاصول در دیوان عالی کشور تشکیل می‌گردد، اما با وجود این نمی‌توان آن را مرجع فرجام‌خواهی از آراء کمیسیون استانی تلقی نمود، به عبارتی، کمیسیون ملی جبران خسارت مرجع تجدیدنظر از آراء کمیسیون استانی تلقی شده و به جهات ماهوی و حکمی اعتراض‌ها به آراء کمیسیون‌های استانی رسیدگی می‌کند. این کمیسیون ضمن رسیدگی ماهوی به پرونده، رأی کمیسیون استانی را تأیید یا در صورت اقتضاء نقض کرده و رأی مناسب را صادر می‌کند، طبق ماده ۲۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری رأی کمیسیون ملی جبران خسارت قطعی است. در نهایت به منظور تسهیل اجرای آراء کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت صندوقی که بودجه آن از محل بودجه کل کشور تأمین می‌گردد در وزارت دادگستری تشکیل می‌شود و وزیر دادگستری محکوم‌به را در مواردی که مفاد رأی مبتنی بر خسارت باشد از محل آن پرداخت می‌نماید. (ماده ۲۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۲۱ به بعد آیین‌نامه) و طبق ماده ۲۳ آیین‌نامه، وزارت دادگستری مکلف است تا خسارت موضوع حکم را در ظرف مدت یک ماه از تاریخ اعلام کمیسیون به محکوم‌له پرداخت نماید.

۲-۲-۲. چین

بر اساس «قانون جبران خسارت دولتی» شخص مدعی باید دعوای خود را علیه دولت مطرح نماید. اینکه چرا دولت موظف به پرداخت هزینه جبران خسارت کارمندان می‌باشد؟ ماهیت جبران قضایی چیست؟ در این زمینه بین حقوق‌دانان چینی دو نظریه وجود دارد، یک نظریه مسئولیت «نمایندگی دولت» است. طبق این نظر کارکنان قضایی باید وظایف و اختیاراتشان را به درستی، طبق قانون و به موقع انجام دهند. در صورتی که حقوق قربانی به دلیل نقض قانون پایمال شود، استحقاق ادعای جبران خسارت را دارد. برای تسهیل روند رسیدگی به ادعای قربانی، دولت ابتدا مسئولیت جبران خسارت را به عهده می‌گیرد یعنی شخص قضایی هویت شخص بدهکار را می‌پذیرد و اگر شخص قضایی که بدهکار است جبران خسارت نکند، باعث ایجاد بی‌عدالتی در احقاق حقوق مدنی می‌شود. عدم جبران قضایی شبیه به احقاق حقوق ناعادلانه در روابط حقوق مدنی است. نظریه

دوم، «قدرت نظارتی دولت» است. ماهیت جبران قضایی حقوق مدنی نیست، بلکه قدرت عمومی است که همان قدرت نظارتی دولت است. هدف از جبران خسارت دولتی، جبران خسارت مالی مشخصی نیست، بلکه اعمال قانون است، که سلسله مراتب جایگاه‌ها را مشخص می‌کند، عملکرد دستگاه‌های قضایی دولت را به‌عنوان یک دولت منظم حفظ می‌کنند و به‌طور کلی به اهداف ملی دست می‌یابند. (chun, 2014: 33)

در ابتدای تأسیس سیستم جبران خسارت دولتی، مسئولیت «نمایندگی دولت» بیشتر مورد توجه قرار گرفته بود. با توسعه تاریخی و تغییرات در سیاست، اقتصاد و علوم انسانی، قدرت «نظارتی دولت» اساساً جایگزین مسئولیت «نمایندگی دولت» شد و به‌عنوان مبنای نظری برای جبران قضایی در نظر گرفته شد. عنوان شد که موضوع جبران خسارت باید دولتی و نه فردی باشد. از آنجا که پرسنل قضایی وظایف محول‌شده توسط دولت را انجام می‌دهند، بنابراین دولت باید مسئولیت خطر را برای اقدامات غیرقانونی و نقض قانون توسط قضات دادگستری در هنگام انجام وظیفه برعهده بگیرد. بنابراین، پس از ایجاد خسارت، بدون در نظر گرفتن اینکه آیا پرسنل قضایی سهل‌انگاری کرده یا عمدی داشته‌اند، ابتدا دولت باید مسئولیت جبران خسارت را برعهده گرفته و جبران خسارت را بپردازد. بنابراین مواردی چون از بین رفتن شواهد عینی، شهادت دادن شهود، میزان کسب‌وکار و وضعیت اقتصادی، وجود دارد که در برخی موارد حتی اگر پرسنل قضایی توجه زیادی به این موضوعات داشته باشند، وجود اشتباه اجتناب‌ناپذیر خواهد بود که منجر به نقض قانون می‌شود. لذا، کشورها کنترل جدی‌تری در زمینه جبران قضایی اعمال کرده و اکثر آن‌ها توسط پرسنل قضایی محدود می‌شوند. قانون جبران خسارت دولتی چین نیز توجه کافی به جبران خسارت دولتی داشته است. (chun, 2014: 34)

در زمینه آیین دادرسی نحوه مطالبه خسارت در مرحله نخستین، طبق مواد ۲۲ الی ۳۱ قانون جبران خسارت دولتی، شیوه اقامه دعوی علیه دولت مطالبی را بیان می‌کند. برای ادعای خسارت، مدعی باید ابتدا به همان نهادی مراجعه نماید که ملزم به جبران خسارت شده است. نهاد دولتی که مسئول جبران خسارت می‌باشد، باید بعد از دریافت دادخواست مدعی ظرف مهلت مقرر قانونی به دادخواست رسیدگی کند. در این مورد ماده ۲۳ مقرر می‌کند: «... باید ظرف دو ماه از تاریخ دریافت دادخواست، تصمیمی درخصوص جبران یا عدم جبران زیان اتخاذ نماید. در مقام تصمیم نسبت به جبران خسارت، نهادی که ملزم به جبران زیان شده است، باید به‌طور کامل، نظر مدعی را استماع نموده و مطابق فصل چهارم این قانون، با مدعی درخصوص شیوه، موارد و میزان خسارت هماهنگی نماید. در صورتی که نهاد دولتی ...، تصمیم به جبران زیان بگیرد، باید تصمیمی کتبی درخصوص جبران خسارت تهیه نماید و آن را ظرف ده روز از تاریخ اخذ تصمیم، به مدعی ارائه نماید. در صورتی

که ... تصمیم به عدم پرداخت خسارت بگیرد، باید ظرف ده روز از تاریخ اخذ تصمیم، مدعی را به صورت کتبی از این تصمیم و نیز دلایل اتخاذ آن، مطلع نماید.»

در مورد آیین رسیدگی مجدد و اعتراض، طبق ماده ۲۴ قانون فوق، مدعی خسارت در سه مورد زیر حق اعتراض دارد؛ اولین مورد در جایی که یک نهاد ملزم به جبران خسارت شده باشد و در اخذ تصمیم نسبت به جبران زیان یا عدم آن ظرف مدت مقرر اقامی صورت ندهد، مدعی می تواند ظرف سی روز از تاریخ انقضای محدوده زمانی مذکور، نسبت به رسیدگی مجدد در نهاد بالاتر از نهاد فوق الذکر اقدام نماید. دومین مورد؛ زمانی است که مدعی هرگونه اعتراض نسبت به شیوه یا میزان خسارت داشته باشد. سوم، نهادی که ملزم به جبران خسارت گردیده، تصمیم به عدم جبران زیان بگیرد. مدعی می تواند ظرف سی روز از تاریخ اخذ این تصمیم، نسبت به رسیدگی مجدد در نهاد بالاتر از نهاد فوق الذکر درخواست ارائه نماید. همچنین اگر نهاد مسئول جبران خسارت دادگاه خلق باشد، مدعی می تواند مطابق این ماده، نسبت به تصمیم ناظر بر جبران خسارت در «کمیته خسارات» دادگاه خلق در مرتبه بالاتر اقدام نماید. طبق ماده ۲۹، دادگاه خلق یا نهاد قضایی عالی باید یک کمیته خسارات تشکیل دهد که متشکل از سه قاضی یا بیشتر به عدد فرد باشد. در اتخاذ تصمیم نسبت به جبران خسارات، کمیسیون های خسارات باید اصل تقدم اکثریت بر اقلیت را رعایت نمایند. تصمیمات اتخاذ شده توسط کمیته خسارات به لحاظ قانونی معتبر و باید اجرا گردد.

اما در زمینه اعتراض مدعی نسبت به تصمیم مجدد نهاد رسیدگی کننده، ماده ۲۵ بیان می کند که نهادی که مسئول بررسی درخواست رسیدگی مجدد است، باید این امر را ظرف دو ماه از تاریخ دریافت درخواست، مورد تصمیم قرار دهد. اگر مدعی از پذیرش تصمیم رسیدگی مجدد خودداری نماید، می تواند ظرف سی روز از تاریخ دریافت تصمیم رسیدگی مجدد، برای دریافت حکم خسارت به کمیته خسارات دادگاه خلق در مرتبه مشابه در همان محلی که نهاد مسئول رسیدگی مجدد در آن قرار دارد، مراجعه کند ... همچنین کمیته خسارات دادگاه خلق باید ظرف سه ماه از تاریخ دریافت درخواست خسارت، تصمیمی در این خصوص اتخاذ نماید. در صورتی که قضیه از ماهیتی دشوار، پیچیده یا مهم برخوردار باشد، محدوده زمانی مقرر می تواند در صورت تایید ریاست دادگاه، تا سه ماه افزایش یابد. (ماده ۲۸) علاوه بر موارد ذکر شده طبق قانون جبران خسارت مدعی می تواند به تصمیم کمیته خسارت اعتراض داشته باشد که مصادیق آن در ماده ۳۰ بیان شده است.

برخی محققان معتقدند که جبران خسارتی که توسط «کمیته جبران خسارت» رسیدگی و تعیین می شود تنها می تواند به عنوان یک ابزار موقت مورد استفاده قرار گیرد. در بلندمدت کمیته جبران خسارت باید مستقل از هر نهاد متعهد به جبران خسارت عمل کند. بنابراین، آن ها معتقدند که با بهبود شرایط

در آینده، نهادهای جبران خسارت سه‌گانه دولتی و پرسنل آن‌ها که در حال حاضر در دادگاه‌های میانی، دادگاه عالی و دیوان عالی کشور مستقر هستند، تحت نظارت کمیته مرکزی کنگره خلق از مراکز استانی، شهری و روستایی قرار خواهند گرفت. کمیته رسیدگی به جبران خسارت متشکل از نمایندگان متعدد می‌باشد. کمیته‌ای متشکل از نمایندگانی از نهاد تحقیق، دادستانی، نهاد قضایی، مدیریت زندان، کارشناسان و وکلا است تا هریک در جایگاه خود بتوانند به اجرای عدالت کمک کنند. برخی از حقوق‌دانان معتقدند که ایجاد کمیته جبران خسارت در دادگاه خلق برخلاف این اصل اساسی است که «هیچ‌کس نمی‌تواند به‌عنوان قاضی در پرونده خودش عمل کند.» قانون جبران خسارت دولتی به‌صراحت تصریح می‌کند که به استثنای نهادهای قانونی اداری و سایر نهادهای قضایی که جزء نهادهای جبران خسارت هستند، دادگاه‌های خلق نیز نهادهای متعهد به جبران خسارت می‌باشند. به این ترتیب موارد و پرونده‌هایی وجود دارد که دادگاه هم «متهم» و هم «قاضی» است.

از دیدگاه قانونی، به‌ویژه از نظر احساسات خاص قربانیان و افراد عادی، «رسیدگی به پرونده خود به‌عنوان یک قاضی» مبنای نارضایتی، ناراحتی، پیچیدگی‌های قضایی بوده و ناگزیر تأثیر منفی و غیرمنطقی بر تصویر نهاد دادگستری و ثبات اجتماعی خواهد داشت. در روند رسیدگی به پرونده‌های جبران خسارت توسط کمیته جبران خسارت، متقاضی جبران خسارت و دادستان، طرفین پرونده جبران خسارت هستند اگر چه جایگاه آن‌ها با شاکی یا متهم متناسب نیست، اما وضعیت و جایگاه هر دو طرف در قبال دادرسی برابر است و قضات کمیته جبران خسارت نیز به‌عنوان داور قرار دارند. دادستانی به‌عنوان نهاد متعهد به جبران خسارت باید تحقیق و بررسی کمیته جبران خسارت را بپذیرد و اسناد، شواهد و مدارک مربوطه را در اختیار کمیته قرار دهد و به‌طور داوطلبانه حکم جبران خسارت صادر شده توسط کمیته جبران خسارت را اجرا کرده و مبلغ خسارت را پرداخت نماید. ۲۰ سال و اندی تجربه اجرای عملی «قانون جبران خسارت دولتی» نشان می‌دهد که این نوع سیستم محاکمه و صدور حکم درخصوص پرونده‌های جبران خسارت قضایی اگرچه بسیار راحت است و هزینه‌های محاکمه را کاهش می‌دهد اما اینکه چگونه نهاد دادستانی به‌طور هم‌زمان هم متهم است و هم ناظر و نیز درخصوص تناقضات و اختلاف نظرهایی که بر اجرای قانون جبران خسارت دولتی وجود داشته باعث شده که تفاسیر قضایی مختلفی ارائه شود. (chun, 2014: 37,36)

نکته پایانی در این قسمت در مورد اشکال و ارزیابی خسارت می‌باشد. برخی از مقررات خاص مانند روش جبران خسارت و استانداردهای محاسبه به «قانون جبران خسارت» ۱۹۹۴ اضافه شد. استاندارد جبران خسارت دولتی به میزان جبران خسارتی دلالت می‌کند که طبق میزان خسارت ایجادشده بر مبنای نقض قانون و وضعیت مالی دولت تعیین می‌شود. این یک پیش‌شرط برای تحقق

جبران خسارت دولتی و جبران حقوق و منافع قربانی است. وجود چنین استانداردی مانع از ایجاد اختلاف در نهادهای دولتی می‌شود که منجر به اتفاق نظر بین طرفین پرونده می‌شود. ایجاد استانداردهای جبران خسارت دولتی، یک انتخاب قانونی است که توسط کشورها بر مبنای شرایط واقعی‌شان انجام می‌شود. از دیدگاه عملی، استانداردهای جبران خسارت در ۱۰۰ سال گذشته، می‌توانند به سه نوع تقسیم شوند:

۱. استانداردهای تادیبی، میزان جبران خسارتی دلالت می‌کند که علاوه بر جبران خسارات واقعی که قربانی متحمل شده است، هزینه‌های تادیبی مسئولیت نقض قوانین را هم پرداخت می‌کند. یعنی میزان جبران خسارت معادل میزان خسارت به علاوه هزینه‌های تادیبی می‌باشد که یک استاندارد نسبتاً بالایی از جبران خسارت می‌باشد و در اغلب کشورهای توسعه‌یافته استفاده می‌شود.

۲. استانداردهای جبرانی، میزان جبران خسارتی که مبلغ جبران خسارت برابر با مقدار خسارت واقعی می‌باشد که اغلب توسط کشورهای در حال توسعه اعمال می‌شود.

۳. استاندارد مصالحه، میزانی است که برای جبران خسارت واقعی وارد شده به قربانی کافی نمی‌باشد، این نوع جبران خسارت به نام دولت انجام می‌شود اما کمتر از میزان خسارت واقعی می‌باشد. کشورهایی که از این استانداردها استفاده می‌کنند معتقدند که جبران خسارت دولتی نمی‌تواند به کاهش خسارت واقعی وارد شده به قربانی کمک کند. نهادهای دولتی، ماهیتاً جبران خسارت دولتی را برای ایجاد رفاه نمادین تعیین کرده‌اند، اگرچه دولت حتی‌الامکان جبران خسارت می‌نماید اما در واقع به طور کامل و واقعی جبران خسارت صورت نمی‌گیرد (guang, 2009: 16).

هنگامی که کشور چین قانون جبران خسارت دولتی را تصویب کرد، بحث‌های گسترده‌ای درخصوص استانداردهای جبران خسارت صورت گرفت. یک دیدگاه این بود که استاندارد جبران خسارت باید بالاتر از میزان نقض قانون باشد و میزان بالای جبران خسارت باید پرداخت شود تا هشدار می‌باشد برای نهادهای دولتی و کارکنان آن‌ها که در صورت نقض قانون متحمل استانداردهای جبران خسارت تادیبی خواهد بود؛ دیدگاه دیگر معتقد بود که نقطه شروع دیدگاه قبلی خوب است اما مسئله اصلی که باید درخصوص جبران خسارت دولتی حل شود تعدیل رفتار نهادهای دولتی و کارکنان آن‌ها و هدایت و وظایف آن‌ها به جای جبران کامل خسارت وارد شده به قربانی می‌باشد. در حال حاضر، اجرای قانون و استانداردهای قضایی در نهادهای دولتی و نهادهای قضایی به طور کلی در حد بالا نیست. در صورتی که اگر استانداردهای تادیبی بلافاصله به کار گرفته شود، غیرقابل انطباق خواهد بود و تحقق هدف بهبود تدریجی اجرای قانون و استانداردهای قضایی دشوار خواهد بود. قانون جبران خسارت دولتی ۱۹۹۴، اصولاً دیدگاه دوم را اتخاذ نموده است که نه تنها خسارت وارده

بر قربانی را جبران می‌کرد بلکه وضعیت اقتصادی، مالی و سایر جوانب را در نظر می‌گرفت. بنابراین وقتی که قربانی برای یک نوع خسارت از منابع مختلف جبران خسارت دریافت می‌کند، دولت میزان جبران خسارت دریافت شده از منابع دیگر را در هنگام پرداخت جبران خسارت کسر نمی‌کند. بنابراین اگرچه استانداردهای جبران خسارت در چین خیلی بالا نیست، اما به دلیل اینکه قربانی ممکن است از کانال‌های دیگر مانند بیمه اجتماعی و اداره کار مبلغی دریافت نماید بنابراین باید این تضمین وجود داشته باشد که خسارت وارده به قربانی به میزان بالایی جبران خواهد شد. به‌منظور افزایش کارکردهای انضباطی این قانون، برخی حقوق‌دانان معتقدند که قانون جبران خسارت دولتی باید برخی از مقررات استانداردهای تأدیبی را افزایش داده تا به این صورت بازدارندگی قانون را افزایش دهد و روند اجرای آن را به‌طور جدی کنترل کند. امروزه که قدرت اقتصادی دولتی چین بهبود یافته است، می‌توان این اقدام را در این زمینه انجام داد (chun, 2014: 31).

در زمینه نحوه پرداخت، بر مبنای ماده ۳۲ جبران خسارت از سوی دولت باید به شکل پرداخت نقدی صورت بگیرد. اگر امکان بازگرداندن دارایی یا اعاده آن به وضعیت سابق وجود داشته باشد، دارایی باید بازگردانده شود یا به وضعیت سابق عودت یابد. همچنین طبق ماده ۳۳ اگر آزادی شخصی یک شهروند نقض شده باشد، مبلغ خسارت برای هر روز باید مطابق نرخ میانگین روزانه دستمزد کارکنان در سال قبل از آن محاسبه می‌گردد. در زمینه مهلت پرداخت خسارت ماده ۳۷ مقرر می‌دارد: «... نهاد مسئول جبران خسارت باید ظرف هفت روز از تاریخ دریافت درخواست پرداخت خسارت، مطابق اختیارات مدیریت بودجه، به واحد مربوطه در مالیه عمومی مراجعه نماید. واحد مالیه عمومی باید ظرف پانزده روز از تاریخ دریافت درخواست پرداخت خسارت، اقدام به پرداخت آن نماید...» نهایت اینکه، قانون محدودیت زمانی را برای درخواست جبران خسارت از طرف مدعی مشخص کرده است: «محدودیت زمانی برای مدعی خسارت نسبت به درخواست خسارت دولتی باید دو سال باشد که از آن روزی آغاز می‌گردد که مدعی خسارت بداند یا باید می‌دانسته که عمل ارتكابی از سوی نهاد دولتی یا هریک از مأموران آن در اجرای وظایف‌شان، حق مالی یا شخصی مدعی را نقض کرده است ... مرور زمان برای دعاوی خسارت دولتی باید در صورتی معلق گردد که طی شش ماه آخر آن، مدعی به واسطه قوه قاهره یا سایر موانع، از اعمال حقوق خود ناتوان بوده است. مرور زمان از روی آغاز خواهد شد که موارد تعلیق رفع شده باشد.» (ماده ۳۹)

هم‌گرایی دو نظام کیفری در جبران خسارت

شکلی

• مسئولیت مطلق دولت در جبران خسارت
• دو مرحله بودن رسیدگی به پرونده های جبران خسارت

ایران

طبق ماده ۲۵۸ ق.آ.د.ک مسئولیت مطلق دولت پذیرفته شده است.
طبق ماده ۲۵۷ قانون فوق رسیدگی بدوی توسط کمیسیون استانی است.
طبق ماده فوق رای کمیسیون استانی در کمیسیون ملی جبران خسارت قابل اعتراض است.

جمهوری خلق چین

طبق ماده ۱ و ۲ قانون جبران خسارت دولتی مسئولیت دولت پذیرفته شده است.
مواد ۲۲ الی ۳۱ قانون فوق در مورد نحوه مطالبه خسارت و شیوه اقامه دعوی علیه دولت است.
ماده ۲۳ نحوه درخواست و رسیدگی ابتدایی به آن می باشد.
ماده ۲۴ مصادیق حق اعتراض به تصمیم نهاد ملزم به جبران خسارت.

ماهوی

• وجود نظام پرداخت جبران خسارت
• جبران خسارت بعد از صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت قطعی
• وجود شرایط سلبی که فقدان آن موجب مطالبه خسارت می باشد

ایران

طبق ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک جبران خسارت فقط شامل افرادی است که بازداشت شده باشند.
طبق ماده ۲۵۶ ق.آ.د.ک مواردی چون بازداشت فرد که ناشی از خودداری ارائه اسناد و مدارک باشد مانع مطالبه خسارت است.

جمهوری خلق چین

قانون جبران خسارت دولتی مصوب سال ۱۹۹۴ و اصلاحیه ۲۰۱۲.
طبق ماده ۱۷ ق.ج.خ.د دو نوع بازداشت مشمول جبران خسارت است: بازداشت غیرقانونی و بازداشت منقضی.
طبق ماده ۱۹ قانون فوق مواردی مثل حبس ناشی از اظهارات عمدی غلط از طرف فرد مبنی بر محکومیتش مانع مطالبه خسارت است.

واگرایی دو نظام کیفری در جبران خسارت

ماهوی

• طبق قانون جبران خسارت دولتی چین دامنه جبران خسارت کیفری هم شامل نقض آزادی شهروندان می‌شود و هم نقض مالکیت شخصی. در حالیکه طبق قانون آیین دادرسی کیفری ایران فقط شامل افراد بازداشت شده می‌باشد.

• طبق قانون جبران خسارت دولتی چین هر نوع بازداشتی اعم از اینکه در نتیجه قرار بازداشت موقت باشد یا به دلیل عدم معرفی وثیقه، اگر مشمول مصادیق بازداشت غیرقانونی یا منقضی باشد باید جبران خسارت شود. اما در این موارد سیستم کیفری ایران رویه واحدی نداشته و اختلاف نظر وجود دارد.

• در مورد افرادی که تحت نظارت خانگی هستند مقنن چینی اشاره مستقیم نکرده است اما این موضوع از طریق تفاسیر دادگاه عای خلق چین حل شده و مشمول جبران خسارت شده است. این مورد شبیه بازداشت از طریق وسایل الکترونیک یا تحت نظر می‌باشد که مقنن ایران هیچ اشاره‌ای به جبران خسارت در این موارد نکرده است.

شکلی

در زمینه ارزیابی و نحوه پرداخت خسارت قانونگذار چینی به صراحت اشاره کرده که باید پرداخت نقدی و از طریق نرخ میانگین روزانه دستمزد کارکنان در سال قبل محاسبه و پرداخت شود. هم چنین اگر ذینفع به مبلغ خسارت رضایت نداشته باشد می‌تواند اعتراض کند. و هیچ مالیاتی نسبت به مبلغ دریافتی از جهت خسارت تعلق نمی‌گیرد. ما طبق مواد قانونی در ایران نحوه محاسبه و ارزیابی به صراحت بیان نشده و اگر تصمیم کمیسیون استانی موجبات رضایت ذینفع را از حیث مبلغ پرداختی فراهم نسازد اعتراض و تجدیدنظر خواهی پیش‌بینی نشده است.

نتیجه

دادرسی منصفانه مهم‌ترین ابزار کارآمد حمایتی از حق حیات و کرامت انسانی تلقی می‌شود و یکی از معیارهای عملکرد دولت‌ها از حیث رعایت قواعد دادرسی منصفانه پیش‌بینی فرایند جبران خسارت از قربانیان اشتباهات قضایی از جمله مظنونان یا محکومان بازداشت‌شده بی‌گناه می‌باشد. راهکارها و مصادیق مطرح شده در قانون آیین دادرسی کیفری ایران درخصوص جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی در مسیر هماهنگ شدن با اسناد حقوق بشری، رعایت موازین دادرسی منصفانه و منطبق با حقوق شهروندی پیش‌بینی شده است. تطبیق بین دو نظام کیفری ایران و جمهوری خلق چین همان گونه که در متن به صورت جامع ارائه شد، نشان‌دهنده هم‌گرایی و واگرایی در شرایط ماهوی و شکلی در زمینه جبران خسارت می‌باشد.

با این حال تطبیق نهاد جبران خسارت در دو نظام کیفری مؤید این نکته است که قوانین هر دو نظام ابهام و نواقضی دارند و راهبردهای ارائه‌شده توسط آن‌ها ناکافی می‌باشد که در برخی موارد

می‌تواند موجب تعارض آرا و رویه‌ها و عدم رعایت دادرسی منصفانه تلقی شود. هرچند که قانون جبران خسارت چین به صورت جامع و کامل بوده و فقط شامل جبران خسارت ناشی از بازداشت ناموجه نمی‌باشد، لیکن در برخی موارد مورد انتقاد حقوق‌دانان این کشور قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین مشکلات فعلی در زمینه جبران خسارت دولتی چین این است که اجرای احکام جبران خسارت دولتی آسان نبوده و دشوار است. در حالیکه در مقایسه با اجرای سایر احکام دادگاه‌ها از ماهیت و نتایج جدی تری برخوردار است. حکم جبران خسارت دولتی بین دو طرف نابرابر باید اجرا شود، یک طرف یک شهروند عادی مستقل است و طرف دیگر یک نهاد دولتی با قدرت غیرقابل مقایسه قرار دارد. نقض قانون درخصوص شهروند قربانی، از طرف یک شهروند عادی صورت نگرفته است و نیز از طرف مجرمی که مورد محکومیت اخلاقی و محرومیت قانونی قرار گرفته است نمی‌باشد. بعضی از محققان چینی معتقدند که پذیرش واقعیت تعداد پرونده‌های جبران خسارت، کم بودن میزان جبران خسارت و مشکل دریافت جبران خسارت باعث شده است بسیاری از مردم اعتماد خود را نسبت به این قانون از دست بدهند. برخی دیگر نیز بر این باورند که قانون جبران خسارت به یک نمایش غیرقابل دستیابی، «تصویری از یک کیک در مقابل شخص گرسنه» است و حتی می‌توان آن را «قانون عدم جبران خسارت دولتی» نامید (chun, 2014: 25). بنابراین، محققان چینی معتقدند که موضوع حل مشکل اجرای احکام جبران خسارت دولتی باید مورد توجه فوق‌العاده قرار بگیرد و امیدوارند که در آینده نهاد جبران خسارت در احقاق حقوق بنیادی قربانیان، ترویج حاکمیت قانون و ایجاد یک جامعه هماهنگ نقش مهمی را ایفا کند.

با توجه به نوپا بودن سیستم جبران خسارت کیفری در حقوق ایران نسبت به کشور چین در برخی موارد ابهام‌زدایی نشده و برخی اصلاحات در قوانین و حقوق موضوعه لازم و ضروری می‌باشد، از این رو پیشنهادهایی ارائه می‌گردد:

۱. مکلف کردن مقامات قضایی صادرکننده قرار منع تعقیب یا حکم برائت به اعلام حق جبران خسارت ذی‌نفع در ضمن صدور حکم. بدین معنا که نه تنها باید به ذی‌نفع - مظنون یا متهم بی‌گناه بازداشت شده - امکان و راهکارهای لازم جهت اخذ آنچه دولت به وی مدیون است اعطا شود بلکه باید به او نیز مساعدت نمود که از حق خود در این زمینه استفاده کند، چراکه ذی‌نفع غالباً به حق خود آگاه نبوده و در نتیجه نمی‌تواند به آن استناد کند. بنابراین مقامات قضایی باید مکلف باشند که راساً ذی‌نفع را به حق خود واقف ساخته و امکان برخورداری از معاضدت قضایی را برای وی فراهم نمایند. این نکته نیز به صورت دیگری مورد توجه حقوق‌دانان چینی قرار گرفته است که از تعبیر «تغییر

جبران خسارت منفعل به جبران خسارت فعال» استفاده می‌شود. آن‌ها معتقدند که جبران خسارات داوطلبانه توسط دولت به‌طور مؤثر کمبودهای جبران خسارت را رفع خواهد کرد.

۲. با توجه به تجربه برخی کشورها درباره جبران خسارت، رسیدگی به درخواست ذی‌نفع در کمیسیون جبران خسارت باید علنی و توافقی برگزار شود و تصمیمات کمیسیون باید مستدل و مستند باشد و مصادیقی چون حق برخورداری از وکیل در جلسات کمیسیون و سایر حقوق قانونی پذیرفته و اشاره شود.

۳. در مواردی که شخص با استفاده از وسایل الکترونیکی تحت بازداشت یا تحت نظر قرار می‌گیرد نیز باید تحت شمول جبران خسارت قرار بگیرد. منطق این امر هم این است که آنچه سبب استحقاق فرد را جهت دریافت خسارت فراهم می‌سازد بازداشت است و شیوه بازداشت هم در آن بی‌تأثیر می‌باشد. موضوعی که مورد توجه حقوق‌دانان چینی هم بوده است. با اینکه مقنن در قانون جبران خسارت دولتی به این نکته به‌صراحت اشاره نکرده است اما با توجه به انتقادات موجود پیشنهاد شده که از طریق تفاسیر دادگاه عالی این مشکل برطرف شود.

۴. در زمینه صدور رأی برائت از سوی نهادهای شبه‌قضایی یا غیرکیفری نظیر هیئت حل اختلاف، اینکه امکان جبران خسارت وجود دارد یا نه، به نظر می‌رسد با توجه به مواد ۲۵۵ الی ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری مراجع قضایی کیفری را مصداق قرار داده است و قابل تسری به سایر نهادهای شبه‌قضایی نمی‌باشد. لیکن باید خاطر نشان کرد که از حیث منطقی و عقلی می‌توان وحدت ملاک گرفت و در این موارد هم حکم به جبران خسارت را صادر نمود.

۵. در زمینه شمول افرادی که تحت حمایت مواد مرتبط با جبران خسارت طبق قانون آیین دادرسی کیفری قرار می‌گیرند مورد انتقاد می‌باشد. چراکه فقط شامل کسانی می‌شود که بازداشت شده‌اند و تنها بخشی از افراد مورد حمایت قرار گرفته‌اند این در حالی است که این امر برخلاف اطلاق اصل ۱۷۱ قانون اساسی و مواد ۱۳ و ۴۸۶ قانون مجازات اسلامی می‌باشد. نکته قابل توجه در مورد قانون جبران خسارت چین این است که قانون فوق‌نقص هر گونه حقوق شخصی یا مالی را مورد حمایت و جبران خسارت قرار داده است.

۶. در مواردی که بازداشت غیرقانونی اعم از اینکه در نتیجه صدور قرار بازداشت موقت باشد یا در نتیجه عدم معرفی کفیل یا تودیع وثیقه، موجبی جهت ایجاد جبران خسارت برای متهم بی‌گناه شود. موضوعی که مورد توجه مقنن چینی قرار گرفته است.

منابع

فارسی

- آقایی جنت مکان، حسین (۱۳۹۶)، حقوق دادرسی عادلانه و منصفانه، چاپ اول، تهران: جنگل.
- خالقی، علی (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ بیست و هفتم، تهران: شهردانش.
- ناجی زواره، (۱۳۹۵)، دیباچه آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران: خرسندی.
- شایگان، اسماعیل و محمد آشوری (۱۳۹۷)، «نظام حقوقی جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بی گناه؛ پژوهشی در حقوق ایران و حقوق تطبیقی»، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۳.
- مقدسی، محمدباقر و ابراهیم رضاقلی زاده (۱۳۹۷)، «جبران خسارت متهمان بازداشت شده بی گناه در نظام عدالت کیفری ایران و فرانسه»، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۳.
- ۶ شاملو، باقر و مجید مرادی (۱۳۹۳)، «خسارت زدایی از مظنونان، متهمان و محکومان بی گناه؛ جایگاه حقوقی، فرایند عملی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۸.
- ۷ ساقیان، محمد مهدی (۱۳۹۳)، «تقویت حقوق و آزادی های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ۶.

غیرفارسی

- Chun-long. (2014). Establishment, Development and Improvement of China's National Legal System of Compensation. *Journal of hit (Social Sciences Edition)*, vol. 16, No 5.
- Guang-dong. (2009). *New Theory of State Compensation Law*. people's publish house.
- HU Yi-min, NI Hui-hua, Zeng-Jie. (2013), "State Compensation and Compensation Supervision Caused by Criminal Detention". *Journal of Shanxi Politics and Law Institute for Administrator*, Vol. 26, No. 2.
- Yan-mei, Li-na. (2015). "Thoughts on the Public Security Organs' Compensation for Criminal Detention". *Journal of Liaoning Police College*. No. 2(Ser. No. 94).
- Yang-Linping, He Jun (2013). *On Judicial Review of Criminal Detention Compensation in Criminal Cases*[J]. Guidelines on Handling Cases of State Compensation. (Second Series).
- Ma-Huaide. (2010). *Interpretation of the State Compensation Law of the People's Republic of China*. Beijing: China Legal Publishing House.
- Liu-Zhiyuan. (2009). *A Guide to State Compensation in Criminal Cases*, Beijing: China Legal Publishing House.
- Zhuang-Xu Long (2017). "The system loophole and Correction Mechanism of State compensation for Criminal detention". *Journal application of the Law*, vol. 5.
- He-Jun. (2017), *The principle and legal application of criminal compensation for the violation of personal freedom*. (Supreme Court), "People's Justice (Case)", No. 8
- Sun-Kang. (2011). *Comparison and reference: research on the initiation procedure of criminal proceedings* [J]. Hebei Law.